

تحلیل داده‌بنیاد آپارتمان‌نشینی از نگاه زنان شهر بروجرد

محمد رضا حسینی * نرگس خوش کلام**

چکیده

دگرگونی‌های چند دهه‌ی اخیر شیوه‌ی سکونت در ایران سبب گرایش افراد به آپارتمان‌نشینی شده و تحلیل و بررسی ابعاد این پدیده از دیدگاه کنشگران درگیر آن امری ضروری است. این پژوهش با هدف تحلیل زندگی آپارتمان‌نشینی از نگاه زنان - که نیمی از ساکنان آپارتمان‌ها هستند - با روش نظریه‌ی مبنایی، نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه عمیق انجام شده است. زنان ۵۰-۱۵ ساله خانه‌دار که حداقل به مدت یک‌سال آپارتمان‌نشینی را تجربه کرده‌اند، جامعه‌ی مورد مطالعه این تحقیق را دربرمی‌گیرد. نتایج نشان داد، این افراد شیوه‌ی سکونت «آپارتمان‌نشینی» را در اثر شرایط علی رانشی و کششی برگزیده‌اند و برای شیوه‌ی زندگی خود راهبرد آپارتمان‌گرایی را اتخاذ کرده‌اند که متأثر از بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر بوده و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال دارد. دستاورد جدید تحقیق حاضر، تأکید بر مقوله‌ی «جنسیت زنانه» در درک پدیده‌ها و ساخت مفهوم «آپارتمان‌گرایی» و نشان دادن وجه تمایز آن با مفهوم «آپارتمان‌نشینی» است.

واژگان کلیدی

آپارتمان‌نشینی، آپارتمان‌گرایی، زنان خانه‌دار، داده‌بنیاد، بروجرد.

*. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) (نویسنده‌ی مسئول) (m.hosseini@abru.ac.ir)

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) (narges_khoshkalam@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

افزایش رشد جمعیت شهری، کمبود فضای ساخت مسکن در شهرها و مسائل اقتصادی خانواده‌ها برای تهیه مسکن، در چند دهه‌ی گذشته سبب گسترش شهرها از حالت افقی به عمودی شده و تغییراتی بنیادی در نحوه و شکل زندگی مردم ایجاد کرده است. در حقیقت یکی از طرح‌هایی که برای تأمین مسکن و جلوگیری از عوارض توسعه‌ی افقی شهرها ارائه شده، توسعه‌ی عمودی شهرها و ساخت آپارتمان است (صدری‌افشار و همکاران، ۱۳۷۵: ۷). کوچک‌تر شدن ابعاد خانه‌ها و تراکم آنها به‌گونه‌ای که هر خانه روی خانه‌ای دیگر بنا شده، مدلی از زندگی را به‌وجود آورده که خلاف زندگی در خانه‌های اصطلاحاً ویلایی بوده و تابع قوانین خاص خودش است؛ هرچند در قوانین مدون، تعریف خاصی از آپارتمان نشده، اما در اصطلاح می‌توان گفت آپارتمان عبارت است از یک واحد مستقل در ساختمان چند طبقه که از آن برای سکونت یا کار استفاده می‌شود و مالکیت در آن شامل دو بخش اختصاصی و مشترک (عمومی) است. به این نوع سکونت و هم‌جواری در اصطلاح رایج «آپارتمان‌نشینی» می‌گویند (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳؛ اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۵). با این وصف می‌توان آپارتمان و آپارتمان‌نشینی را از مظاهر و محصول تمدن جدید و یکی از مهم‌ترین تحولات در فرایند اسکان بشر در شهرها دانست که به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است (Bandes, 2004: 120).

لونیس ورث بین دو مفهوم «شهرنشینی» و «شهرگرایی» تمایز قائل شده است؛ از نظر وی شهرنشینی یک فرایند تمرکز جمعیت در شهرها و یک شیوه‌ی سکونت است؛ درحالی‌که شهرگرایی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی زندگی در مکان شهری است و شامل جوانب مختلف شیوه‌ی زندگی شهری (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) است (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۱۳). بنابراین می‌توان «آپارتمان‌نشینی» را همچون شهرنشینی یک شیوه‌ی سکونت قلمداد کرد. در ایران، آپارتمان‌نشینی به دلیل وسعت خاک کشور نسبت به جمعیت آن و همچنین عدم توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی همپای سایر کشورهای پیشرفته جهان قدمت زیادی ندارد و هنوز بیشتر مردم سکونت در خانه‌های ویلایی را به آپارتمان‌نشینی ترجیح می‌دهند. از این‌رو آپارتمان‌نشینی در شهرهای کوچک همچون شهر بروجرد، توسعه‌ی چشمگیری نیافته و به همین دلیل بیشتر آپارتمان‌نشینان هنوز با فرهنگ آپارتمان‌نشینی و هنجارهای زندگی در آپارتمان، آشنایی کافی ندارند و همین امر زمینه‌ساز مشکلات فراوانی است. به همین دلیل انجام پژوهش درباره‌ی ابعاد مختلف پدیده‌های مربوط به مسکن با توجه به همه‌ی جوانب آن از جمله فرهنگ مردمی که می‌خواهند از این الگو تبعیت کنند، ضرورت دارد. شهر بروجرد به عنوان دومین شهر بزرگ استان

لرستان از نظر جمعیت و مساحت، همواره مقصد مهاجران بسیاری از شهرها و روستاهای اطراف بوده و طیف وسیعی از افراد با فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده و همین سبب شده است که بسیاری از شهروندان آن به دلایل مختلف به زندگی در آپارتمان‌ها روی آورند. در این میان، زنان خانه‌دار به عنوان نیمی از ساکنان آپارتمان‌ها و به عبارت دیگر نیمی از کنشگران درگیر در پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی در مقایسه با مردان درک متفاوتی از این پدیده دارند، زیرا زنان نسبت به مردان مدت زمان بیشتری در خانه هستند و با مسائل و مشکلات آن مواجه‌اند.

الیزابت ویلسون معتقد است که زنان و مردان در امور روزمره‌ی خود، زندگی شهری را متفاوت تجربه می‌کنند (کندال، ۱۳۹۲: ۶۸۹). بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه زنان خانه‌دار آپارتمان‌نشین درباره‌ی روند شکل‌گیری این نوع از سکونت، کنش آنها در این راستا و پیامدهای حاصل از این کنش‌ها انجام شده است. این پژوهش کوشیده است، با دستیابی به اهداف یاد شده مشکلات فرهنگی اجتماعی موجود در سبک زندگی آپارتمان‌نشینی را شناسایی کرده و برای بالا بردن کیفیت زیستی زنان آپارتمان‌نشین راهکارهایی را پیشنهاد دهد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در بین پژوهش‌های داخلی، مشهودی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که توان اقتصادی خانوار، فرهنگ، مدیریت ساخت و مدیریت بهره‌برداری عوامل مؤثر در تشویق خانواده‌ها در روی آوردن آنها به آپارتمان‌نشینی هستند (مشهودی، ۱۳۸۰). پژوهش جهانگیری و همکاران نیز نشان داد سطح زیربنا، تعداد طبقات و بود یا نبود مدیر در ساختمان و نوع مدیریت با رضایت‌مندی از زندگی آپارتمان‌نشینی رابطه معنادار مستقیمی دارند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۶-۲۱). کامران و همکاران و همچنین سرگزی در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که تضاد فرهنگی در میان خانواده‌های آپارتمان‌نشین به دلیل وجود خرده‌فرهنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر بروز بیشتری دارد (کامران و همکاران، ۱۳۸۸؛ سرگزی، ۱۳۸۹). همچنین نتایج پژوهش پیمایشی فخرایی نشان داد بزرگترین پیامد مثبت آپارتمان‌نشینی، احساس امنیت و بزرگترین پیامد منفی آن احساس انزوا و تنهایی در میان ساکنین است (فخرایی، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۰۷). زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۳) و زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش‌های پیمایشی خود درباره‌ی عوامل مؤثر در نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در شهر یزد به این نتیجه رسیدند که نگرش نسبت به آپارتمان‌نشینی با متغیرهای سن، بعد خانوار، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی و مشارکت اجتماعی همبستگی معناداری دارد، اما با متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رضایت از زندگی

آپارتمانی رابطه‌ی معناداری ندارد (زارع شاه آبادی و ترکان، ۱۳۹۳: ۲۱۴-۱۶۳؛ زارع شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴-۵۷). ناصری و تقوی در پژوهشی پیمایشی در آپارتمان‌های مسکن مهر بر وجود نشان دادند که این نوع سکونت با فرهنگ و نگرش جامعه‌ی ایرانی-اسلامی مغایرت داشته و محیط‌های آپارتمانی را به فضایی تنش‌زا تبدیل کرده است (ناصری و تقوی، ۱۳۹۶: ۱۸-۹).

در بین پژوهش‌های خارجی راین‌واتر در پیمایشی به این نتیجه دست یافت که میان خرابکاری و پرخاشگری کودکان و سکونت در ساختمان‌های با تراکم بالا ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد (Rainwater, 1996: 23-31). پژوهش راون نشان داد که آپارتمان‌نشینی در کاهش کارکردهای خانواده مؤثر است (Raven, 1967: 382-386).

همچنین پژوهش فانینگ نشان داد، تنشی که محدودیت‌های آپارتمان‌نشینی برای مردان خانواده ایجاد می‌کند، سبب کاهش مشارکت آنها در فعالیت‌های خانواده و تنشی که برای زنان ایجاد می‌کند در کیفیت رابطه‌ی آنها با فرزندان و همسایه‌ها مؤثر است (Fanning, 1967: 382-386). مارسلا و همکارانش و میچل در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که بین تراکم واحد مسکونی و بهداشت روانی همبستگی معکوس معناداری وجود دارد (Marsella, 1970: 288-294). بوت (Mitchell, 1971: 18-29) در پژوهشی پیمایشی به این نتیجه دست یافت که تراکم خانوار و واحدهای همسایگی در آپارتمان‌ها در روابط بین همسران، روابط بین والدین و فرزندان و روابط بین فرزندان مؤثر هستند (Booth, 1976: 308-321). هال نیز در پژوهشی پیمایشی در ژاپن نشان داد که آپارتمان‌نشینی با ایجاد تراکم بیش از اندازه‌ی خانوار و اعضای آن در واحد سطح و در محیط مسکونی باعث تغییر در روابط بین افراد و افزایش آن می‌شود (Hall, 2000). گیفورد نیز در پژوهشی پیمایشی نشان داد که در آپارتمان‌نشینی، رفتارهای کمکی افراد نسبت به سایر اشکال مسکن کمتر است (Gifford, 2007: 1-16). لی و یئوم نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی برای رقابت در زندگی مفید بوده و منافع اجتماعی را افزایش می‌دهد (Lee & Yeom, 2011).

مرور برخی از مطالعات تجربی مرتبط با پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی نشان می‌دهد بیشتر این مطالعات به روش پیمایشی و عموماً با دیدگاهی غیرجامعه‌شناختی - از رشته‌های دیگری چون جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - انجام شده‌اند. تحقیقات کیفی اندکی با رویکرد جامعه‌شناسانه نیز انجام شده است که در آنها نیز جامعه‌ی مورد مطالعه بسیار کلی بوده و تمرکز بر زنان به عنوان پربرخوردترین قشر با پدیده مذکور انجام نشده است. از سوی دیگر، پژوهش‌های پیشین تنها بر یک جنبه از موضوع همانند پیامدهای آپارتمان‌نشینی و علل گسترش آن متمرکز بوده‌اند؛ لذا

وجه تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در این است که محقق با روش کیفی نظریه‌ی مبنایی و تمرکز بر دیدگاه زنان خانه‌دار درصدد کشف ابعاد پنهان این پدیده برآمده و در نهایت از دلایل شکل‌گیری و نوع رفتار کنشگران در مواجهه با آن و پیامدهای حاصل از آن یک مدل فرایندگونه ارائه کرده است.

۳. ملاحظات نظری

زیمل با طرح مفهوم «سنخ‌های اجتماعی» معتقد است که هر سنخ اجتماعی از رهگذر رابطه با دیگران پدید می‌آید که پایگاه ویژه‌ای به او می‌دهند و از او انتظار دارند که به شیوه‌ی خاصی رفتار کند (کوزر، ۱۳۹۴: ۲۵۴). از نظر وی سنخ اجتماعی «بیگانه»^۱ عضوی از یک گروه است، ولی عضو کامل آن نیست؛ از این رو بیگانه می‌تواند نقشی را ایفا کند که هیچ‌یک از اعضای دیگر گروه قادر به انجام آن نیستند، زیرا غریبه موقعیتی پارادوکسی دارد. او از نظر جغرافیایی به گروه نزدیک، ولی از نظر روان‌شناختی و فرهنگی دور است (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۸۳ و ۲۸۴). بر این اساس، آپارتمان‌نشینان نسبت به یکدیگر از سنخ اجتماعی بیگانه محسوب می‌گردند؛ چرا که از لحاظ فیزیکی تنها به اندازه‌ی یک دیوار فاصله دارند، اما از لحاظ اجتماعی و فرهنگی از یکدیگر بسیار دور هستند. زیمل همچنین در مقاله‌ی «کلان‌شهر و حیات ذهنی» معتقد است که در شهرهای بزرگ به علت جمعیت عظیم و متراکم شهر و فشار آن به زندگی انسان، هویت فردی و آزادی فرد به خطر می‌افتد و این امر موجب انزوا و از خودبیگانگی او می‌شود. از سوی دیگر، انسان در شهر در عین از خودبیگانگی خلاق می‌شود. فرد امکان می‌یابد که ویژگی‌های شخصیتی و منحصر به فرد خود را تعالی بخشد، اما حرص و آز نظام سرمایه‌داری آزادی او را محدود و محدودتر می‌کند و به موجودی حسابگر، غیراحساساتی و ماشینی تبدیل می‌شود. به عقیده‌ی او در کلان‌شهر تعلقات گروهی جزئی و خاص و برخوردهای افراد احتیاط‌آمیز^۲ و گاهی از روی انزجار^۳ است که سبب رهایی از نظارت‌های گروهی می‌شود، در عین حال احساس تنهایی، انزوا و از خودبیگانگی به عنوان روی دیگر وضعیت رهایی از قیدوبندهای گروهی تجلی می‌یابد (زیمل، ۱۳۷۲: ۶۴).

لوئیس ورث بین دو مفهوم «شهرنشینی» و «شهرگرایی» تمایز قائل شد؛ از نظر وی شهرنشینی یک فرایند تمرکز جمعیت در شهرهاست و شهرگرایی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی زندگی در

1. Stranger
2. Reserve
3. Antipathy

مکان شهری است و شامل جوانب مختلف شیوهی زندگی شهری می‌شود. ممکن است فردی در شهر زندگی کند، اما شهرگرایی اندکی داشته باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۱۳). به عبارت دیگر، گرایش به سبک زندگی شهری را شهرگرایی گویند (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۰) که روشی از زندگی است و از طریق تراکم، تنوع و گوناگونی و سازمان اجتماعی پیچیده مشخص می‌شود که این اصطلاح امروزه به معنای فرهنگ شهرهاست (گوتدینر و باد، ۱۳۹۰: ۲۹۳). سه ویژگی اصلی شهر از نظر ورث عبارت‌اند از: حجم، تراکم و ناهمگونی (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۶). ورث همچون زیمل تأکید می‌کند که افزایش در اندازه (حجم و تراکم) فرصت‌های شناخت عمیق میان فردی را کاهش می‌دهد و این امر به انشعاب در روابط اجتماعی، تأکید بر تماس‌های ثانوی و بی‌تفاوتی نسبت به دیگران می‌انجامد. تماس‌های شهری ممکن است چهره به چهره باشد، اما غیرشخصی، سطحی، گذرا و جزیی است (Wirth, 1938: 12). بنابراین از نظر ورث «شهرگرایی»، «شیوه زندگی» است و به الگوهای متمایز اجتماعی و روانی که غالباً در شهرها دیده می‌شود اشاره می‌کند. در شهر روابط ثانوی در حد وسیعی جای پیوندهای گروه نخستین را می‌گیرد؛ تعامل اجتماعی غالباً تجزیه شده و تصنعی است. اگرچه با زندگی در شهر تا اندازه‌ای آزادی و تنهایی به دست می‌آید، اما بهای این استقلال با از دست دادن حمایت و امنیت ناشی از پیوندهای گروه‌های نخستین پرداخته می‌شود. از دیدگاه ورث شهرنشینان از خودبیگانگی، بی‌پناه و تنها هستند. مفهوم اجتماع محلی از میان رفته و «اجتماع توده‌ای» جای آن را گرفته است که به جامعه‌ی نهادینه شده‌ی بزرگ‌مقیاسی گفته می‌شود که در آن پیام‌های جمعی، دیوان‌سالاری بی‌هویت و علائق جمعی جانشین فردیت می‌شود (کندال، ۱۳۹۲: ۶۸۸).

۴. روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و شیوهی نظریه‌مبنایی انجام شد. طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌ها استخراج شده و در قالب مدل پارادایم نظریه‌مبنایی ارائه شدند. فرایند گردآوری و تفسیر داده‌های تحقیق در این پژوهش به صورت هم‌زمان انجام شد.

جامعه‌ی مورد مطالعه پژوهش حاضر ۲۸ نفر از زنان خانه‌دار ۱۵ تا ۵۰ ساله هستند که حداقل یک سال در آپارتمان سکونت داشته و به شکل هدفمند انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ی عمیق بوده و تحلیل داده‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. به منظور تعیین

روایی^۱ یا اعتبار در تحقیق حاضر از نظر اساتید و هم‌چنین اعتبار اعضا استفاده شد؛ بدین صورت که نتایج نهایی تحقیق به نمونه‌های مورد مطالعه بازگردانده و پس از تأیید، این نتیجه حاصل شد که تحقیق اعتبار مطلوب را دارد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۲۲). در تحقیق حاضر، پایایی^۲ - که به گستره‌ی تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد - از طریق محاسبه «توافق درون‌موضوعی» حاصل شد؛ بدین صورت که دو کدگذار سه مصاحبه را کدگذاری کرده و میزان تشابه کدگذاری‌ها یا همان درصد توافق محاسبه شد.

نتیجه‌ی حاصل طبق جدول شماره‌ی (۱) برای مصاحبه‌های دوم، هشتم و پانزدهم انجام شده و همان‌طور که مقادیر جدول نشان می‌دهد درصد توافق درون‌موضوعی کل ۷۶٪ است که مقدار مقبولی است و در نتیجه تحقیق پایایی مطلوبی را دارد؛ به منظور رعایت اخلاق پژوهشی و جلب اعتماد افراد در پژوهش حاضر از تکنیک‌هایی همچون عدم ثبت اطلاعات هویتی پاسخ‌گویان و از بین بردن اطلاعات و مصاحبه‌های ضبط‌شده در پایان پژوهش استفاده شده است (والی‌من، ۱۳۸۷: ۷۶).

جدول (۱): محاسبه پایایی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
۲	۹۲	۳۴	۸	٪۷۴
۸	۸۳	۳۱	۱۰	٪۷۵
۱۵	۶۲	۲۵	۵	٪۸۱
کل	۲۳۷	۹۰	۲۳	٪۷۶

۵. یافته‌های پژوهش

پس از پایان مرحله‌ی «کدگذاری باز» طبقات اصلی کشف و استخراج شدند، در مرحله‌ی «کدگذاری محوری»، پدیده‌ی «آپارتمان‌نشینی» به عنوان پدیده‌ی محوری در مدل پارادایم نظریه‌ی مبنایی تعیین شد و سایر طبقات به دست آمده، بسته به نوع رابطه‌ای که با این پدیده یا به عبارتی با مقوله‌ی هسته داشتند، در مرحله‌ی «کدگذاری انتخابی»، گزینش و در یکی از بخش‌های مدل گنجانده شدند. در ادامه شرح هر یک از بخش‌های مدل و نحوه‌ی ارتباط آنها با پدیده‌ی محوری شرح داده شده است.

۵-۱. شرایط علی

منظور از شرایط علی، شرایطی است که وقوع پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی را زمینه‌سازی کرده و باعث شکل‌گیری آن شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش این شرایط شامل شرایط رانشی (ناتوانی اقتصادی، سیاست‌های شهرسازی) و شرایط کششی (ارزان بودن آپارتمان، امنیت آپارتمان، دوری از جمع‌آشنایان، محیط و کالبد آپارتمان، اعتبار اجتماعی آپارتمان‌نشینی) بوده است.

شرایط رانشی عواملی هستند که فرد را مجبور و شرایط کششی عواملی هستند که فرد را تشویق به سکونت آپارتمانی کرده‌اند. ناتوانی اقتصادی یعنی نداشتن سرمایه‌ی کافی برای خرید یا اجاره‌ی خانه و ویلایی که سبب شده است فرد با اجبار سکونت در آپارتمان را انتخاب کند. سمیرا ۲۲ ساله با مدرک کاردانی و مستأجر با ۲ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید:

خونه ویلایی دوست داشتیم ولی وُسمون نمی‌رسید ویلایی اجاره کنیم.

سیاست‌های شهرسازی مدیران و برنامه‌ریزان شهری در راستای توسعه‌ی عمودی شهر به علت افزایش رشد جمعیت و کمبود زمین برای ساخت مسکن و هزینه‌بر بودن ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌ی افقی شهر، عامل دیگری است که سبب محدود شدن دامنه‌ی انتخاب‌های فرد در نوع سکونت شده و او را مجبور به سکونت در آپارتمان می‌کند. الهام ۳۱ ساله، با مدرک کارشناسی‌ارشد و با ۳ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان در این باره معتقد است:

وقتی که تعداد خونه‌های ویلایی اندازه همه نیست و جمعیت به شهر زیاده دولت تصمیم می‌گیره که مجتمع‌های آپارتمانی رو بسازه تا جوابگوی جمعیت باشه.

از سوی دیگر، عوامل دیگری سبب تشویق فرد به انتخاب سکونت آپارتمانی می‌شود. قیمت پایین آپارتمان‌ها برای خانواده‌هایی که قصد خرید یا اجاره‌ی مسکن با هزینه‌ی بالا را ندارند انتخاب مناسبی است و از آنجا که معمولاً زنان در خانواده نسبت به مردان بیشتر به مسائل اقتصادی و بحث صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌اندیشند، قیمت ارزان‌تر آپارتمان یک عامل کششی در ذهن آنها برای تمایل به اتخاذ شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی است. منیژه ۴۵ ساله، با تحصیلات ابتدایی و با ۷ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان می‌گوید:

شوهرم خونه ویلایی دوست داشت ولی من بهش گفتم اینجوری می‌تونیم پول کمتری بابت خونه بدیم.

امنیت آپارتمان مهم‌ترین عامل تشویق به ترجیح دادن سکونت آپارتمانی است که تقریباً همه‌ی مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند؛ چراکه بحث تأمین امنیت از نگاه زنان به دلیل ویژگی‌های

جسمانی و روحی خاصی که دارند، مهم است. الهه ۲۹ ساله، با مدرک کارشناسی و با ۲ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان که یک زن مطلقه است، می‌گوید:

برای من که به زن تنهام آپارتمان خیلی بهتره مسلماً، چون روزا میرم سر کار خونهم میدونم در امانه. شب هم که میام نمیتروسم از اینکه کسی بخواد مزاحمم بشه.

برخی افراد نیز که از معاشرت زیاد با آشنایان و همسایگان در خانه‌های ویلایی گریزان هستند، خانه‌های آپارتمانی را گزینه‌ی خوبی برای دوری از جمع‌های خانوادگی و کاهش رفت‌وآمدهای فAMILیلی و همسایگی می‌دانند. سهیلا ۴۱ ساله، با تحصیلات ابتدایی و با ۴ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان در این باره می‌گوید:

مثل ویلایی نیست که همسایه‌ها همش تو خونه‌ی آدم باشن از شام و ناهارت هم خبر دارن، تازه فAMILیلا که دم به دقیقه مهمونت می‌شن من ترجیح دادم آپارتمان بخرم چون یه جورایی از جمع‌آشناها دور میقتی.

محیط و اعتبار اجتماعی آپارتمان‌نشینی برای برخی از زنان جذاب‌تر از خانه‌های ویلایی است. صبا ۲۸ ساله، با مدرک کارشناسی‌ارشد و با ۳ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید:

به نظر من آپارتمان‌نشینی کلاس داره بعضی وقتا جایی می‌رم بهم میگن دیگه آپارتمان نشین شدی سری نمیزنی محل نمیدی.

۲-۵. بستر حاکم

بستر حاکم مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای هستند که در ظاهر با راهبردها بی‌ارتباطاند، اما به عنوان زمینه برای اتخاذ راهبرد عمل می‌کنند و در آن مؤثرند. در این پژوهش بستر حاکم شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرد (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و درآمد، بُعد خانوار، سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی، نوع مالکیت، نوع سکونت قبلی) و ویژگی‌های کالبدی آپارتمان (منطقه‌ی شهری، سطح زیربنا، تعداد طبقات و واحدها، تعداد واحد در هر طبقه، مساحت واحد، تراکم جمعیت، نوع طراحی، کیفیت، قدمت و امکانات) می‌شود. نسترن ۳۰ ساله، با مدرک کارشناسی‌ارشد و با ۱ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان درباره‌ی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرد می‌گوید:

به نظرم به سن آدم بستگی داره چطور رفتار کنی مثلاً یه خانمی که ۱۷، ۱۸ سالشه ازدواج کرده اومده تو آپارتمان با یه خانمی که ۴۵ سالشه مسلماً رفتارشون فرق داره، ممکنه اون‌ی که کم‌سن و ساله اهمیت نده که همسایه‌اش اذیت بشه از صدای آهنگ

گوش دادنش. یا تحصیلات به نظرم خیلی مهمه...

الناز ۱۸ ساله، یا مدرک دیپلم و با ۱ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید: معلومه که دیدگاه زن‌ها با مردا فرق می‌کنه. شاید زن‌ها سعی می‌کنن بیشتر رعایت کنن چون بیشتر با همسایه‌ها در ارتباطن تا مردا. مردا صبح میرن سر کار شب میان. شاید ندونن همسایه مریضه و می‌خواد استراحت کنه و زیاد داد بززن.

از سوی دیگر، ویژگی‌های کالبدی ساختمان نیز به گفته مصاحبه‌شوندگان در میزان رعایت فرهنگ آپارتمان‌نشینی تأثیر گذار است. نسترن ۳۰ ساله، کارشناسی‌ارشد با ۱ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان در این باره می‌گوید:

فرهنگ آپارتمان‌نشینی ساکنین یه آپارتمان به جای آپارتمان خیلی بستگی داره که ببینم بالاشهر یا پایین شهر، حاشیه‌ی شهره یا مرکز شهر. مثلاً اگه بالاشهر باشه معمولاً کسایی میرن اونجاها ساکن میشن که پولدارترن و یا زن و شوهر دوتاشون شاغلن و بیشتر اوقات خونه نیستن یا مسافرتن. کلاً سعی میکنن بیشتر رعایت کنن.

۳-۵. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، مجموعه عواملی هستند که به عنوان میانجی یا واسطه عمل نموده و اتخاذ راهبردها را تسهیل و یا تحدید می‌کنند. این شرایط در تحقیق حاضر شامل ویژگی‌های روانی-اجتماعی فرد (شخصیت، پایبندی به هنجارها، جامعه‌پذیری، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سلامت اجتماعی، مشارکت اجتماعی) و ویژگی‌های سازمانی آپارتمان (قوانین و هنجارها، ناهمگونی ساکنان، نرخ تغییر ساکنان، حجم تردد افراد، نوع مدیریت و کارایی آن) می‌شود. سیما ۳۲ ساله، با مدرک دیپلم و با ۲ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان درباره‌ی تأثیر شخصیت می‌گوید:

به نظرم به شخصیت خود افراد بستگی داره که توی آپارتمان درست رفتار کنن؛ مثلاً اگه یه نفر آدم خودخواهی باشه و فقط خودشو ببینه معلومه که آسایش دیگران براش مهم نیست و مدام سروصدا می‌کنه یا ماشینش رو پارک می‌کنه جلوی ورودی ساختمان.

همچنین هرچه شخص به هنجارها و قوانین پایبندتر باشد، روند آپارتمان‌گرایی در وی راحت‌تر رخ می‌دهد. لیلا ۲۰ ساله، با مدرک دیپلم و ۲ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید:

فرهنگ آپارتمان‌نشینی بستگی به این داره که آدم چقدر به قوانین آپارتمان احترام بذاره و اونها رو رعایت کنه.

از سوی دیگر، هرچه تعاملات اجتماعی فرد با همسایگان بیشتر باشد، بیشتر به هنجارهایی که باید رعایت کند، پایبند می‌شود. ملیحه ۴۰ساله، با مدرک سیکل و ۱سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید:

هرچی با همسایه‌ها ارتباطم بیشتر شد به حالت رودربایستی پیدا کردم و سعی کردم مراقب رفتارم باشم.

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، فراگردی است که به واسطه‌ی آن هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). بنابراین هرچه آموزش‌ها درباره‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی بیشتر باشد، این هنجارها بیشتر در فرد نهادینه می‌شود. مینا ۲۷ساله، با مدرک کارشناسی و با ۴سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان می‌گوید:

به نظرم باید فیلم‌ها و سریال‌های بیشتری درباره‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی ساخته بشه تا مردم یاد بگیرن توی آپارتمان چطور رفتار کنن. مخصوصاً واسه خانم‌ای آپارتمان‌نشین که بدونن اینجا دیگه جای فضولی و سرک کشیدن تو زندگی بقیه نیست.

همچنین هرچه فرد اعتماد اجتماعی بیشتری نسبت به رفتارهای دیگران و برقراری ارتباط با آنها داشته باشد، راحت‌تر با فرهنگ آپارتمان‌نشینی تطابق می‌یابد، زیرا به این موضوع باور دارد که دیگران به رفاه وی کمک کرده و از آسیب زدن به آرامش و زندگی وی خودداری می‌کنند. شیدا ۲۹ساله، با تحصیلات ابتدایی و با ۶سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان در این باره معتقد است:

وقتی به این فکر می‌کنم که دیگران هم دارن سعی می‌کنن که همه با هم با خوشی توی این آپارتمان زندگی کنیم و مشکلی برای خودمون و بچه‌هامون یا برای آپارتمان پیش نیاد، تصمیم می‌گیرم که منم باهاشون همکاری کنم و همین‌طوری باشم.

بر اساس تعریف کییز، سلامت اجتماعی به این معناست که فرد خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند (Keyes & Shapiro, 2004: 347). بنابراین اگر فرد از نظر اجتماعی سالم باشد، این تصور را دارد که متعلق به مجموعه‌ی ساکنان آپارتمان است و در نتیجه خود را در پیشرفت آن سهیم می‌داند. نسترن ۳۰ساله، با مدرک کارشناسی‌ارشد و ۱سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان می‌گوید:

اگر اینجوری فکر کنیم که همه‌ی ساکنین یه آپارتمان مثل یه خانواده هستیم سعی می‌کنیم بقیه رو از خودمون راضی نگه‌داریم. چون در اصل همه‌ی ما باهم توی پیشرفت آپارتمان و آسایش همدیگه شریک هستیم.

شیرین ۳۰ساله، با مدرک دیپلم و ۶سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان نیز درباره‌ی تأثیر مشارکت اجتماعی می‌گوید:

همه باید توی جلسات ساختمان شرکت کنن با هم مدیر ساختمان رو انتخاب کنن و کمکش کنن و دست به دست هم بدن تا مشکلات ساختمان برطرف بشه. مشارکت هم زن و مرد نداره.

همچنین ویژگی‌های سازمانی ساختمان به عنوان عاملی مؤثر در روند آپارتمان‌گرایی ساکنان عمل می‌کنند. قوانین و هنجارهای تعریف شده، تنوع فرهنگی و قومیتی ساکنان، نرخ تغییر ساکنان در سال، حجم تردد افراد و نوع مدیریت و کارایی آن، همگی در روند آپارتمان‌گرایی ساکنان مؤثرند. الهام ۳۱ساله، با مدرک کارشناسی‌ارشد و با ۳سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان در این باره معتقد است:

به نظرم اگه ساختمان یه قوانین سفت و سخت داشته باشه همه ازش مطلع میشن و مجبورن ازش تبعیت کنن.

۴-۵. راهبردها

راهبرد کنش و رفتاری است که فرد در اثر وقوع پدیده اتخاذ می‌کند. به عبارت بهتر، فرد پس از سکونت در آپارتمان تصمیم می‌گیرد که نوع رفتار خاصی را از خود به نمایش بگذارد. بنابر نتایج کدگذاری‌ها مشخص شد که مصاحبه‌شوندگان پس از سکونت در آپارتمان تصمیم گرفته‌اند که خود را با فرهنگ زندگی آپارتمان‌نشینی تطبیق داده و برخی از رفتارهای پیشین خود را تعدیل کنند و یا یک سری رفتارها را که پیش از این داشته، کنار نهاده و رفتارهای جدیدتری را برگزینند. به بیان دیگر، سعی کرده‌اند تا فرهنگ زندگی آپارتمان‌نشینی را بیاموزند و آن را رعایت کنند. تالکوت پارسونز فرهنگ را یک ساختار نمادین بیرونی پیچیده می‌داند که می‌تواند تقریباً نوع واحدی از گرایش را در همه‌ی کنشگرانی به وجود آورد که خود را با آن وفق می‌دهند (Parsons & Shils, 1962:160). در اینجا منظور از فرهنگ آپارتمان‌نشینی این است که فرد از قوانین و هنجارهای آپارتمان‌نشینی پیروی و حقوق همسایگان خود را رعایت کرده و آرامش و آسایش آنها را سلب نکند. مفهوم جدیدی که در این پژوهش برای بیان این راهبرد به کار رفته است، «آپارتمان‌گرایی» به معنای

انطباق فرد با فرهنگ زندگی آپارتمان‌نشینی است و اشاره به این موضوع دارد که آپارتمان‌نشینی تنها یک شیوه‌ی سکونتی است، درحالی‌که آپارتمان‌گرایی یک شیوه و سبک زندگی است. بنابراین نکته‌ی مهم این است که آپارتمان‌نشینی با آپارتمان‌گرایی متفاوت است. به عبارت دیگر، همان‌طور که لوئیس ورث معتقد است، شهرنشینی یک شیوه‌ی سکونتی و شهرگرایی یک شیوه‌ی زندگی است و فردی که شهرنشین شده لزوماً شهرگرا نیست، کسی که در آپارتمان زندگی می‌کند، لزوماً آپارتمان‌گرا نیست و ممکن است فرهنگ زندگی آپارتمان‌نشینی را رعایت نکند. در این باره فرخنده ۴۶ساله، با تحصیلات ابتدایی و با ۴سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان می‌گوید:

بعضیا درسته اومدن تو آپارتمان زندگی میکنن ولی انگار هنوز یاد نگرفتن اینجا دیگه چاردیواری اختیاری نیست اینجا باید رعایت کنی.

مریم ۳۸ساله، با مدرک دیپلم و ۴سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان درباره‌ی راهبردی که اتخاذ کرده است می‌گوید:

قبلاً تو خونه ویلایی زندگی می‌کردیم. وقتی اومدیم اینجا فهمیدیم زندگی اینجا با زندگی تو خونه ویلایی فرق دارد. خیلی چیزا رو باید رعایت کنی، کم‌کم یاد گرفتیم چه کارایی رو باید انجام بدیم و چه کارایی رو نباید انجام بدیم تا نگن بی‌فرهنگه یا فرهنگ آپارتمان‌نشینی نداره.

۵-۵. پیامدها

اتخاذ راهبردها از سوی کنشگران پیامدهای مثبت (همچون رضایتمندی، احساس امنیت با تأکید بر جنسیت زنانه، الگوی منظم رفتاری، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، افزایش آستانه تحمل، آشنایی با حقوق شهروندی و استیفای آن با تأکید بر جنسیت زنانه، گمنامی، آزادی و خلاقیت، هم‌نوایی اجتماعی و تعلق گروهی، همفکری و خرد جمعی با تأکید بر جنسیت زنانه) و منفی (همچون رشد فردگرایی و انزوای اجتماعی، احساس عدم مالکیت، تهدید خلوت و بهداشت روانی، لوکس‌گرایی، همسایگی موقت، احساس زندگی کندویی، سرکوب حس کودکانه و پرخاشگری، سهیم بودن در مشکلات عمومی، کاهش کارکردهای نهاد خانواده و نقش مادر، فاصله‌ی اجتماعی، حاشیه‌نشینی فرهنگی، کم‌فرزندآوری، خانواده‌ی هسته‌ای، تنزل هویت محله‌ای، تضعیف تفاوت‌های زبانی و فرهنگی) را به دنبال دارد.

گرایش به سبک زندگی آپارتمان‌نشینی یا همان آپارتمان‌گرایی سبب شده که زنان از زندگی آپارتمانی راضی باشند و انتظارات آنها نسبت به سکونت در خانه‌های ویلایی کاهش یابد؛ احساس

امنیت کنند؛ رفتارهای آنها به پیروی از هنجارها یک الگوی منظم یابد؛ با فرهنگ‌های مختلفی که در هم‌جواری آنها زندگی می‌کنند آشنا شوند؛ آستانه‌ی تحمل تفاوت‌ها از سوی آنها افزایش یابد و بتوانند تفاوت‌های فرهنگی را تحمل کنند؛ با حقوق شهروندی آشنا شوند و ضمن رعایت آن بتوانند حقوق خود را از دیگر ساکنان بدون توجه به جنسیت خود استیفا کنند و آن را مانعی در مقابل خود نبینند.

همچنین ویژگی گمنامی ساکنان در آپارتمان به زنان نوعی آزادی بخشیده است و آنها می‌توانند آن‌گونه که دوست دارند زندگی کنند. آنها می‌توانند با دیگر ساکنان به هم‌نوایی اجتماعی برسند و در نتیجه شباهت‌های رفتاری و فرهنگی به احساس تعلق گروهی دست یابند و در نهایت با مشارکت و همفکری در حل مسائل آپارتمان بیاموزند که چگونه از خرد جمعی استفاده کرده و نقش جنسیت خود را در این باره پررنگ کنند. همچنین یک روی دیگر مثبت آپارتمان‌گرایی، استقلال فردی است که زمینه‌ساز خلاقیت فرد است. نگین ۳۱ساله، با مدرک دیپلم و ۴سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان می‌گوید:

اول که اومدیم اینجا بچه‌هام خیلی اذیت بودن چون نمی‌تونستن هر ساعتی بازی کنن. حیاط هم نداشت بعد که دیدیم خیلیا اینجا مثل ما هستن با این قضیه کنار اومدیم و عادت کردیم.

در رابطه با هم‌نوایی اجتماعی نیز زیبا ۳۰ساله، با مدرک دیپلم و ۴سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان می‌گوید:

بعد یه مدت احساس می‌کنی همه شبیه هم رفتار می‌کنن، چون همه دارن سعی می‌کنن قوانین رو رعایت کنن. میشه گفت اینجوری اهالی ساختمانون مثل یه گروه دوستانه می‌شن و همه سعی می‌کنن هم‌رنگ جماعت باشن.

همچنین زندگی در آپارتمان سبب شده است که زنان جنسیت را مانعی برای دفاع از حقوق خود به حساب نیاورند و هر زمانی که احساس کنند حقوق آنها پایمال شده است، بدون توجه به جنسیت، از حقوق خود دفاع کنند. شیوا ۲۴ساله، با مدرک کارشناسی و ۳سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان درباره‌ی خرد جمعی می‌گوید:

یه چیز خیلی خوبی که من اینجا یاد گرفتم این بود که وقتی درباره‌ی حل مشکلات آپارتمان همفکری می‌کنیم خیلی زود اون مشکل حل میشه؛ چون ما به تصمیم جمعی رسیدیم. اینجا زن یا مرد بودن مهم نیست مهم مشارکته.

از سوی دیگر، آپارتمان‌گرایی پیامدهایی منفی در برداشته است که مصاحبه‌شوندگان گریزی از آنها نمی‌دیدند. کاهش تعاملات فرد با دیگران به ویژه اقوام و آشنایان از نتایج قوانینی است که مهمانی‌ها و رفت‌وآمدها را محدود می‌نماید. فردگرایی در میان زنان افزایش یافته و آنها به مرحله‌ای از انزوای اجتماعی و درون‌گرایی رسیده و در نتیجه توده‌ای از انسان‌های تنها بر اساس نظریه‌ی ورت شکل می‌گیرد؛ به دلیل فضاهای مشترک آپارتمان و کاهش حدود اختیارات نسبت به خانه‌های ویلایی، آنها احساس مالکیت نمی‌کنند؛ اشراف پنجره‌ها به یکدیگر و آلودگی‌های دیداری و شنیداری، خلوت و بهداشت روانی زنان را تهدید کرده و به مرور آنها را دچار استرس، عصبی شدن، افسردگی، دلزدگی و پشیمانی می‌کند؛ بیشتر زنان به دلیل زندگی در آپارتمان و پذیرفتن شیوه‌ی زندگی مدرن به لوکس‌گرایی مبتلا شده و همواره با مصرف شیء‌گونه‌ی کالاها می‌خواهند از مدرنیته و ظواهر آن عقب نمانند. تغییر مداوم ساکنان و عادت کردن آنها به این وضعیت حالت همسایگی موقت را پیش آورده که باعث می‌شود زنان آپارتمان‌نشین نتوانند یک ارتباط دائمی و سازنده با زنان همسایه‌ی خود برقرار کنند؛ خود این امر سبب می‌شود، آنها میل و رغبتی نیز به برقراری ارتباط با زنان همسایه نشان ندهند؛ در نتیجه آنچه که لوفلند آن را «دنیای غریبه‌ها» می‌نامد شکل گرفته و به تعبیر زیمل همسایگان دچار فاصله‌ی اجتماعی شده و از سنخ بیگانه محسوب می‌شوند؛ چراکه از نظر فیزیکی تنها به اندازه‌ی یک دیوار، اما از نظر اجتماعی و فرهنگی فاصله‌ی بسیاری دارند. به دلیل شباهت طراحی همه‌ی واحدهای یک آپارتمان زنان احساس می‌کنند در یک سازه‌ی کندو مانند زندگی می‌کنند و زندگی آنها بسیار شبیه دیگران شده است که نوعی انزجار را به دنبال دارد. حس کودکانه‌ی فرزندان سرکوب می‌شود، زیرا مادران از آنها انتظار دارند آرام باشند و نمی‌توانند آزادانه بازی کنند؛ همین امر باعث پرخاشگر شدن آنها و همچنین پرخاشگری مادران نسبت به آنها در زمان بازی می‌شود؛ از سوی دیگر، فرزندان برای اینکه کمتر در محیط آپارتمان باشند و صدای اعتراض همسایگان را درنیابند، به محیط‌هایی همچون مهدکودک فرستاده می‌شوند که این خود سبب کاهش کارکردهای نهاد خانواده و به‌ویژه مادران در حوزه‌ی تربیتی می‌شود؛ از طرفی این وضعیت سبب تغییر روابط بین همسران، مادران و فرزندان و فرزندان با یکدیگر می‌شود؛ برخی نیز در پی این سبک از زندگی و به منظور جلوگیری از مشکلات ناشی از آن تصمیم می‌گیرند به یک فرزند بسنده کنند که به کم‌فرزندآوری زنان منجر می‌شود. از دیگر پیامدهای آپارتمان‌نشینی سهیم بودن در مشکلات عمومی آپارتمان است؛ حتی اگر افراد در ایجاد آن مشکلات نقشی نداشته باشند. از دیگر پیامدها کم‌رنگ شدن به مرور تفاوت‌های زبانی و فرهنگی افراد است، زیرا خانواده‌ها زبان مادری را به فرزندان خود آموزش

نداده و همگی به سوی آموزش زبان فارسی و فرهنگ یک شکل گرایش می‌یابند. هویت محله‌ای تنزل می‌یابد و تعریفی از محله و ساکنان وی در منطقه‌های مسکونی که مجتمع‌های آپارتمانی در آنها احداث شده‌اند وجود ندارد و افراد با واحد مجاور خود نیز بیگانه هستند، چه برسد به ساکنان آپارتمان‌های دیگر؛ در نهایت حاشیه‌نشینی فرهنگی در اثر انتقال فرهنگی و اجتماعی روی می‌دهد. افراد به جای آپارتمان‌گرایی، آپارتمان‌نشینانی هستند که از زندگی سابق در خانه‌های ویلایی رخت بر بسته، اما با فرهنگ جدید غریبه هستند؛ لذا در فرایند این انتقال فرهنگی دچار تضاد و تناقض شده و به حاشیه‌نشینی فرهنگی روی می‌آورند.

نیلوفر ۲۶ ساله، با مدرک کارشناسی و ۵ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان درباره‌ی فاصله‌ی اجتماعی می‌گوید:

افراد در کنار هم زندگی می‌کنن ولی با همدیگه غریبه‌ان و ارتباطی باهم ندارن. من اصلاً خانم همسایه رو که تو واحد کناریمه نمی‌شناسم و باهاش رابطه‌ای ندارم. دیوارهای چندسنتی زندگی اونها رو از هم جدا کرده صدای همسایه‌ها از پشت این دیوارها شنیده میشه، اما از حال و روز همدیگه بی‌خبرن.

۴۴

رؤیا ۲۵ ساله، با مدرک دیپلم و ۳ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان نیز درباره‌ی رشد فردگرایی و انزوای اجتماعی می‌گوید:

خانمای همسایه رو نمی‌شناسم جو آپارتمان یه جوریه که همیشه پا پیش بذاری و باهاشون آشنا بشی. هر کسی فقط می‌خواد تو لاک خودش باشه.

منیر ۴۸ ساله، بیسواد و ۶ سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان نیز درباره‌ی احساس عدم مالکیت می‌گوید:

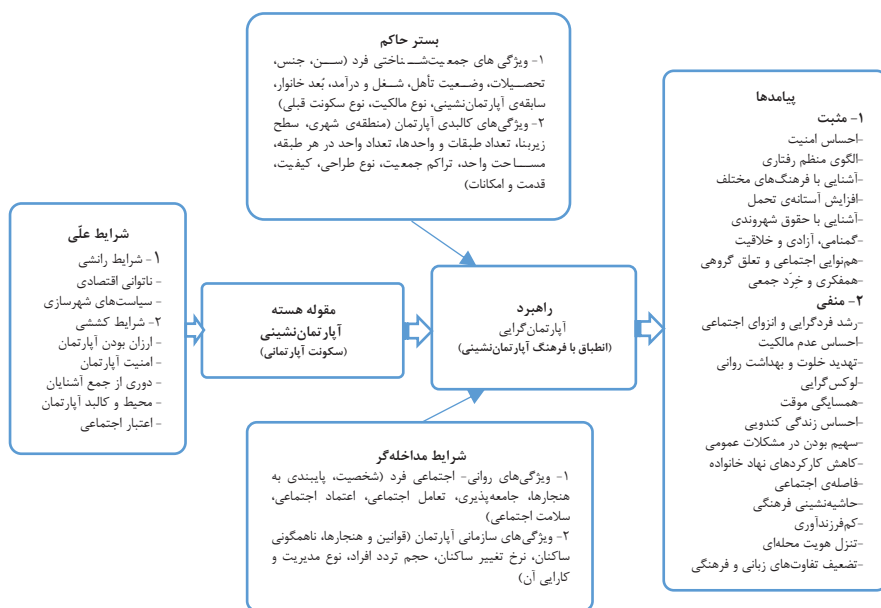
اینجا همش حس میکنم خونه‌ام مال خودم نیست، وقتی فکر می‌کنم که همسایه‌ام پشت این تیغه مشترک داره زندگی می‌کنه حس می‌کنم تو اتاق خواب خونه منه.

ملیحه ۴۰ ساله، با مدرک سیکل و ۱ سال سابقه‌ی اجاره‌نشینی در آپارتمان درباره‌ی سهمیم بودن در مشکلات عمومی می‌گوید:

بدیش اینه که وقتی قبول می‌کنی مقررات رو رعایت کنی هر مشکلی پیش بیاد تر و خشک با هم میسوزن.

نسترن ۳۰ساله، با کارشناسی‌ارشد و ۱سال سابقه‌ی تملک و سکونت در آپارتمان درباره‌ی حاشیه‌نشینی فرهنگی و تضعیف تفاوت‌های زبانی و فرهنگی می‌گوید:

بعضیا وقتی تازه میان هنوز انگار تو همون حس و حال خونه ویلایی هستن نه میتونن با زندگی آپارتمان‌نشینی کنار بیان و نه میشه دیگه مثل قبل باشن؛ اینا زندگی تو آپارتمان براشون سخته... البته به مرور تفاوت‌ها از بین میره. فکر می‌کنن اگر زبون خودشون حرف بزنین یا اونجوری که رسمشونه لباس بپوشن یا دکور خونشون محلی باشه ممکنه مسخرشون کنن.



شکل (۱): مدل پارادایم نظریه‌ی مبنایی

بحث و نتیجه‌گیری

رشد شهرنشینی و پیشرفت جمعیت از ۴۰سال پیش تاکنون، سبب رواج آپارتمان‌نشینی در ایران شده است. اگرچه زندگی آپارتمان‌نشینی هزینه‌های تأمین مسکن را کاهش داده است، اما مشکلات خاص خود را به همراه دارد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شرایط رانشی (ناتوانی اقتصادی، سیاست‌های شهرسازی) و شرایط کشتی (ارزان بودن آپارتمان، امنیت آپارتمان، دوری از جمع آشنایان، محیط و کالبد آپارتمان، اعتبار اجتماعی آپارتمان‌نشینی) از عوامل زمینه‌ای وقوع

آپارتمان نشینی است. کنشگران به عنوان راهبرد سعی کرده‌اند تا فرهنگ زندگی آپارتمان نشینی را بیاموزند و آن را رعایت کنند. مفهوم جدیدی که در این پژوهش برای بیان این راهبرد به کار رفته است، «آپارتمان گرایی» به معنای انطباق فرد با فرهنگ زندگی آپارتمان نشینی است و اشاره به این موضوع دارد که آپارتمان نشینی تنها یک شیوه‌ی سکونتی است، درحالی که آپارتمان گرایی یک شیوه و سبک زندگی است. این راهبرد تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر است که در نهایت پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی را دربردارد.

با مقایسه‌ی پژوهش‌های پیشین و نتایج تحقیق حاضر مشخص می‌شود که برخی از آنها تأییدکننده‌ی نتایج به دست آمده هستند، ولی در برخی موارد با واکاوی ذهنی موارد مطالعه نتایجی به دست آمد که در تحقیقات پیشین به آنها پرداخته نشده است و یا نتایج جدیدی حاصل شده است؛ برای مثال پژوهش مشهودی توان اقتصادی خانوار را یک عامل کششی می‌داند، درحالی که نتایج تحقیق نشان داد توان اقتصادی یک عامل رانشی است. پژوهش‌های جهانگیری و همکاران و محسنی تبریزی و همکاران نیز تأییدکننده‌ی نقش عوامل کالبدی آپارتمان بر رضایت‌مندی هستند؛ درحالی که تحقیق حاضر نشان داد، این عوامل به عنوان بستر حاکم و با میانجی‌گری آپارتمان گرایی در رضایت‌مندی مؤثرند. پژوهش کامران و همکاران نشان داده است که ناهمگونی فرهنگی سبب بی‌تعادلی در میان ساکنان آپارتمان‌ها می‌شود؛ درحالی که در تحقیق حاضر این نتیجه به دست آمد که ناهمگونی در نهایت و به مرور به هم‌نوایی و یگانگی اجتماعی منجر شده و تفاوت‌های فرهنگی و قومی تضعیف می‌شوند. پژوهش‌های زارع شاه‌آبادی و ترکان و زارع شاه‌آبادی و همکاران نشان داد متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رضایت از زندگی آپارتمانی رابطه‌ی معناداری ندارند؛ درحالی که در تحقیق حاضر به دست آمد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی به واسطه‌ی آپارتمان گرایی در رضایت‌مندی از زندگی آپارتمان نشینی مؤثر است. پژوهش گیفورد نیز نشان داد که در آپارتمان نشینی، رفتارهای کمکی افراد نسبت به سایر اشکال مسکن کمتر است درحالی که مقوله‌ی «هم‌نوایی اجتماعی و تعلق گروهی» نشان داد که آپارتمان نشینی در صورت آپارتمان گرایی ساکنان، سبب ایجاد تعلقات گروهی میان آنها و رفتارهای کمکی به یکدیگر می‌شود. به طور کلی، نتیجه‌ی تأمل‌برانگیزی که از پژوهش حاضر حاصل شده است، تأثیر مقوله‌ی «جنسیت زنانه» در نوع درک زنان از پدیده‌ی آپارتمان نشینی است؛ چرا که برای مثال زنان اذعان داشتند که دربارهی استیفای حقوق شهروندی خود و یا مشارکت در انجام امور آپارتمان، زن بودن را مانعی پیش روی خود ندیده‌اند و یا اینکه آپارتمان نشینی با یک پیامد منفی سبب کاهش کارکردهای نقش مادرانه زنان شده است. در نهایت، یافته‌ی اصلی پژوهش تفاوت دو پدیده‌ی

«آپارتمان‌نشینی» و «آپارتمان‌گرایی» بود؛ آپارتمان‌نشینی یک شیوه‌ی سکونتی و آپارتمان‌گرایی یک شیوه‌ی زندگی است که زنان با توجه به جنسیت خود و ویژگی‌های خاص این جنسیت سعی کرده‌اند پس از اتخاذ شیوه‌ی سکونتی آپارتمان‌نشینی به آپارتمان‌گرایی به عنوان شیوه‌ای از زندگی و فرهنگ مربوط به آن روی آورند.

بنابر نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود، در طراحی واحدهای آپارتمان‌ها تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی لحاظ شود تا آسایش زنان به دلیل جنسیت خاص آنها فراهم شود. همچنین رسانه‌ی ملی آموزش فرهنگ آپارتمان‌نشینی را در برنامه‌های خود بگنجانند. زنان خانه‌دار ساکن در آپارتمان‌ها نیز به منظور کاهش پیامدهای منفی آپارتمان‌نشینی همچون انزوا و فاصله‌ی اجتماعی می‌توانند جلسات گروهی را در ساختمان برگزار کرده و ضمن آشنایی برای در جهت رفع مشکلات هم‌فکری کنند.

منابع

- ◀ اسماعیلی، محمود، (۱۳۹۱). راهنمای جامع آپارتمان‌نشینی، تهران: شهر.
- ◀ ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۸). مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: حوزه و دانشگاه.
- ◀ جهانگیری، جهانگیر، عبدالعلی لهسایی‌زاده و محمدکریم منصوریان، (۱۳۸۵). «بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس، مطالعات اجتماعی ایران، س ۱، ش ۱.
- ◀ ربانی، رسول، (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت.
- ◀ زیمل، جورج، (۱۳۷۲). کلاشهر و حیات ذهنی، ترجمه‌ی یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، س ۶، ش ۳.
- ◀ زارع شاه‌آبادی، اکبر و رحمت‌الله ترکان، (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش زنان نسبت به آپارتمان‌نشینی در شهر یزد (مطالعه تطبیقی زنان آپارتمان‌نشین و ویلانشین)»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۵.
- ◀ زارع شاه‌آبادی، اکبر، رحمت‌الله ترکان و آریز خدادادی، (۱۳۹۳). «سنجش نگرش زنان یزد درباره آپارتمان‌نشینی»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ش ۱۱.
- ◀ سرگزی، زینب، (۱۳۸۹). «آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن (مورد مطالعه: شهر زاهدان)»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ◀ سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت.
- ◀ صدری‌افشار، مزدک و دیگران، (۱۳۷۵). مسائل اساسی بلندمرتبه‌سازی: برگزیده از آخرین چاپ

كتاب معروف ولفگانگ شولر و مقالات چهارمین كنفرانس جهانی ساختمان‌های بلند ١٩٩٠، تهران: مركز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

◀ فخرایی، سیروس، (١٣٩١). «پیامدهای اجتماعی آپارتمان‌نشینی (مورد مطالعه: شهر مراغه)»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، س ٩، ش ٣٥.

◀ فلاح، محمدجواد، (١٣٩٢). اخلاق همسایه‌داری و آپارتمان‌نشینی. تهران: مركز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران.

◀ کامران، فریدون، سیداحمد حسینی و خدیجه ذبیحی‌نیا، (١٣٨٨). «بررسی مشکلات فرهنگی- اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی شهر پردیس». پژوهش اجتماعی، س ٢، ش ٥.

◀ کرایب، یان، (١٣٨٢). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.

◀ کوزر، لوئیس، (١٣٩٤). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

◀ کندال، دینا الیزابت، (١٣٩٢). جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه‌ی فریده همتی، تهران: جامعه‌شناسان.

◀ گوتدینر، مارک و لزلای باد، (١٣٩٠). مفاهیم اساسی در مطالعات شهری، ترجمه‌ی عبدالرضا ادهمی. تهران: بهمن‌برنا.

◀ مشهودی، مسعود، (١٣٨٠). «تأثیر نحوه طراحی مجتمع مسکونی در مدیریت بهره‌برداری»، مجموعه مقالات همایش فناوری در صنعت ساختمان و مسکن، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

◀ ناصری، علی محمد و احسان تقوی، (١٣٩٦). «آپارتمان‌نشینی در شهرهای ایرانی اسلامی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن (نمونه مورد مطالعه: مسکن مهر بروجرد)»، معماری سبز، س ٣، ش ٦.

◀ والی‌من، نیکولاس، (١٣٨٧). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه‌ی محسن نیازی، فریدون بهادرانی و مصطفی صلابت. تهران: پندارپارس. (١٣٨٧).

▶ Banes, M. (2004) *Urban social theory: city, self and society*, Oxford: Oxford University Press. (2004).

▶ Booth, A. (1976). "Crowding and Family Relations". *American Sociological Review*, 41.

▶ Fanning, D. (1976). "Families in Flats". *British Medical Journal*.

▶ Gifford, R. (2007). "Consequences of Living in High-Rise Buildings". *Architectural Science Review*. 50(1).

▶ Hall, E.T. (2000) *The hidden dimension*. New York: Anchor.

▶ Keyes, C.L.M. & A. Shapiro. (2004). *Social well-being in the united states: A Descriptive Epidemiology*. Chicago: University of Chicago Press.

▶ Lee, I.K. & D.W. Yeom. (2011). "comparative study for Satisfaction level of green apartment". *Buildings and Environment*. 46(9).

- ▶ Marsella, A. & M. Scudero & P. Gordon. (1970). "The effect of dwelling density on mental in Filipino". *Jornal of Health and Social behavior* ,11.
- ▶ Mitchell, R.E. (1971). "Some Social Implications of Hige Density Housing". *American Sociological Review*. 36.
- ▶ Parsons, T. & E.A. Shils. (1962). *Toward a general theory of action*. Harvard: Harvard University Press.
- ▶ Rainwater, L. (1966). "Fear and the House-as-Haven in the Lower Class". *Journal of the American Institute of Planners*. 32(1).
- ▶ Raven, J. (1967). "Sociological Evidence on Housing". *Architectural Review*. 142.
- ▶ Wirth, L. . (1938). "Urbanism as a way of life". *American Jornal of Sociol-ogy*. 44.